

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

5- "تحفه تو، کفن من!"

نوشته: انجنیر محمد نذیر تنویر، هالند
در حاشیہ کنفرانس قطر، چشم دید ها، تجربیات، شناسایی بحران، و راهکرد های عملی رفع بحران از برای نشست های آینده

Author & Graphic Design: M. N. Tanvir



بخش پنجم:

شناسایی بحران کشور:

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين، والصلاة والسلام على إمام المتقين و قائد المجاهدين وخاتم النبيين، نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. أما بعد:

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿الصف: ٣﴾

ای مؤمنان! چرا چیزی را می گوئید که خود عمل نمی کنید؟

این عمل که سخن بگوئید و خلاف آن کنید بسیار سخت است خدا را به خشم و غضب می آورد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۗ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ

عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿الحجرات: ١٣﴾

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را گروه گروه و قبیله قبیله نمودیم تا همدیگر را بشناسید. بیگمان گرامی ترین شما در نزد الله متقی ترین شما است. بیگمان الله دانا و باخبر است.

{محور اساسی این بحث روی همین دو آیت کریمه می چرخد، که در آیت اولی؛ مخاطب مومنان بوده، و در آیت دومی مخاطب تمامی بشریت می باشد}

الحمد لله: «حمد و ثنا» ذاتی را که بر همه مایان مهنت گذاشت و توفیق بر حضور در این مجمعه را نصیب ما گردانید، تا یک بار دیگر از رحمانیت پروردگار خویش بهرمند گشته، و خویشتن را در مسیر شریعت خالق خویش عیار گردانیم؛

الحمد لله: «حمد و ثنا» ذاتی را که مراقب امور همه هستی و امور بندگانش بوده، و هیچ نیروی قادر به تغییر نظم در نظام وی را نداشته، ندارد و نخواهد داشت! ذاتی که «رفت و آمد» نظام ها و افراد را، وسیله بیرون ساختن نیات درونی مایان گردانیده، تا باشد که حجت اش را بر ما تکمیل گرداند!

✓ **پس ای عزیزان؛** از این فرصت طلایی استفاده بریم!

{فرصت طلایی نه از برای شرکت در همچو کنفرانس ها، بلکه از برای بهره برداری و نجات خویش! نجات ابدی از برای تمامی جناح ها: بلی، نجات گروه باطل از عذاب آتش، و رفعت درجات از برای گروه حق! چونکه دوره آزمون، دوره ابتلا و بلاخره دوره حیات پایان شدنی است.}

پس تا دیر نشده، بیایم تا مروری بر صفحات تاریخ نمایم؛

تاریخی که «خالق هستی» در لابلای سخنانش به ما می آموزد، و از سرنوشت گذشته، حال و آینده «بشر» صحبت میدارد تا خویش را در مسیر حق پیوند دهیم؛

تاریخی که هیچ نیروی، نه قادر به تحریف آن بود، و نه قادر به تحریف آن می باشد، و نه قادر به تحریف آن خواهد بود!

تاریخی که «معجزه» می آفریند، و از آینده ها صحبت می دارد، و با تجلی تحقق آن، خواب رفتگان را از ظلمات بسوی نور هدایت می نماید!

✓ **پس بیدار شویم ای عزیزان!** اگر با «قصص قرآنی» آشنایی پیدا نمایم، حضور در همچو مجالس؛ که بر سرنوشت انسان ها رقم می زند، لرزه بر اندام مؤمنان خواهد انداخت. **چونکه از سخنرانی های خویش، حساب سختی را در پیش خواهیم داشت (آیت اولی)!**

✓ اگر در جغرافیای جهان مروری به جایگاه «طاغوتیان» در برابر «مؤحدان» شود، خواهیم یافت که جایگاه «حق»؛ بعد از همه فعل و انفعالات، همیشه در صدر بوده و باقی خواهد ماند؛ ولو با استفاده از «زر- زور و تزویر»، آنرا کوچک جلوه دهند!

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى ۗ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ

و سرانجام **الله جل جلاله** گفتار (و اهداف) کافران را فروکشید (و شوکت و آئین آنان را از هم گسیخت) و گفتار **الله** ست که پیوسته مقام بلند دارد (و نور توحید بر ظلمت کفر چیره شده است و مکتب آسمانی، مکتب های زمینی را از میان برده است).

{اصلاً «قوانین بشری» غیر قابل مقایسه با «قانون الهی» می باشد. آنچه در «قوانین بشری» در ذاتش نیک پیداست؛ در ادوار مختلف تاریخ از فرستاده های پروردگار عالمیان ربوده شده، و در قالب جملات جدید درآمده است. تعدیل «قوانین بشری» یک امر پذیرفته شده و ضروری می باشد، در حالی که «قانون آسمانی» مطلق بوده و تا ختم «حیات دنیوی» چنان تجلی دارد که جوابگوی نیاز های بشری در ادوار مختلف و در جغرافیای مختلف می باشد. در یک نکته می توان خلاصه کرد که؛ اصلاً تاریخی وجود ندارد که از آینده های بشر و تمامی مخلوق صحبت بدارد، به جز از «قانون آسمانی»! پس باید به تاریخی که «خالق هستی» آنرا از طریق آخرین فرستاده اش (محمد صلی الله علیه وسلم) بیان داشته است؛ و آن رحمتی برای عالمیان می باشد، توجه و دقت داشت.}

بلی! «سنت الهی» چنین است که «**الله جل جلاله**» با کوچکترین «نیروی حق»، بزرگترین و با عظمت ترین «نیروهای باطل» را از صحنه برمی چیند:

آیا حالت اقوام نوح، ثمود، عاد، لوط، نمرود، فرعون، ابرهه... و مشرکین قریش را فراموش کردیم؟

{مگر نیروی ابرهه را، با آن همه ساز و برگ نظامی و فیل های عظیم الجثه که نظیرش برای اعراب ناآشنا بود، پرنده های کوچک ابابیل با سنگریزه های کوچک از بین نبرد؟}

آیا «فرعون قریش» (یعنی ابوجهل) را، **ابن مسعود** (ضعیف ترین و کوچکترین صحابی؛ از نگاه جسامت) معار نساخت؟

آیا یکی از قدرتمندترین سران قریش (امیه بن خلف) را، برده اش «بلال» مهار نساخت؟

مگر فراموش کردیم که جسد امیه را؛ زمانی که می خواستند انتقال دهند تا بعداً وی را با شأن و شوکت تدفین بدارند، از جایش تکان داده نمی توانستند؛ بلی، با تماس به بدن امیه، توتیه های گوشت وی از تن اش جدا می گشت تا آنکه به ناچار؛ از برای پوشانیدن جسدش، سنگ های داغ و آتشین «صحرای بدر» را بالایش گذاشتند. همان سنگ های آتشی که، «**بلال**» را با وی شکنجه می داشت!

آیا مرگ «ام انمار» را فراموش کردیم؟

زنی که برده اش (**خَبَاب بن اُرت**) را با شمشیری که از کوره آتش بیرون می آورد، شکنجه می کرد!

زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم این صحنه را دید گفت! «اللهم أنصر خبابا»

مگر فراموش کردیم که چه مرضی دامنگیر «ام انمار» گشت که درد زخم هایش را به جز آتش چیزی دیگری تسکین داده نمی توانست؟ وجود آن زن ظالم؛ با استخدام مشهورترین طبیب ها و مصرف پول گزاف، آنقدر سوختانده شد تا جان داد. چنین است قدرت پروردگار عالمیان، و چنین است آیات و نشانه الهی از برای خردمندان!

همچو مثال ها و آیات الهی را به کثرت در دوران خویش نیز ما شاهد بودیم و هستیم، اما گمراهان و منافقین فاقد بصیرت آن می باشند:

مگر شوری را ندیدیم، و امریکا و متحدینش را نمی بینیم که چگونه «**الله جل جلاله**» زوال این طاغوتیان عصر حاضر را بدست ناتوان و ضعیف مجاهدین واقعی رقم زد و می زند؟ مگر کجا شد بصیرت حق مسلمانان، که عذاب «کثرت نعمت» مجاهدانها و همکاران شان را دیده نمی توانند؟

آیا گمان می بریم که وارد بهشت خواهیم گشت، در حالی که «**الله جل جلاله**» از میان مایان «**مجاهدان**» و «**شکیبایان**» ما رامشخص نکرده است؟! (142:3)

بلی، چه شد عاقبت سرکشان، چه شد عاقبت نمرودیان، ثمودیان، فرعونیان...؟

و چه شد عاقبت امپراطوری های روم و فارس؟!

پس به اخلاص به تاریخ «**کتاب آسمانی**» رجوع کنیم، به «**قرآن و سنت**»؛

تاریخی که معجزه می آفریند و از آینده ها صحبت می دارد، و با تحقق هر پیشگویی های آن، پویندگان «راه حق» را در جهت فلاح، مسیر می دهد!

✓ **ای عزیزان!** بھوش آیم، اگر خویشتن را «بی بهره» از انس با «**قرآن**» ساخته ایم، و بهرمندان آنرا «**بیسواد**» و «**متحجر**» می نامیم، آیا تاریخ چند دهه اخیر کشور خویش را؛ که تا هنوز تازه بوده، و از «سینه بر سینه» انتقال می یابد، نیز به باد فراموشی گذاشته ایم؟

چه شد سرنوشتی کشوری که در آن آفتاب غروب نمی کرد (بریتانیای کبیر)؟

چه شد عاقبت ظلم کشور «**شورا ها**» که ثلث جغرافیای جهان را با وحشی ترین نوع ظلم غصب نموده بود؟

چه شد سرنوشت «**تیوری کمونیزم**» که نصف جهان را با جبر و ستم زیر سایه اش کشانیده بود؟

در حالی که بر کمونیستها هیچگونه فشاری، نه وارد گشته بود و نه وارد گشته است؛

آیا کسی پیدا خواهد شد که به افتخار و سربلندی گوید که من «**کمونیسست**» هستم؟

چنان دلیل گشتند که همه شان اجیر همان امپریالیزمی گشتند؛ که به هزار ها نفر را به اتهام آن، «نیست و نابود» ساختند. آنها نه تنها اجیر شدند بلکه مبلغین تیوری کپتالیزم گشتند، و همین حالا در دستگاه های بی بی سی؛ صدای امریکا و دیگر رسانه های طاغوتی فعالیت دارند.

اما برعکس:

بر «**مسلمانان واقعی**»؛ چه نوع ظلمی نیست که روا دانسته می شود، اما آنها با افتخار و از «ته قلب» فریاد سر میدهند که:

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران: 173)

الله ما را بسنده است، و چه نیکی یآوری است!

پس در انتظاری چه نوع سرنوشتی از برای «**تک قدرت جهان**» (امریکا) و 49 کشوری متحدش بوده می توانیم؟!

آمریکایی که در نخستین لحظات ورود اش بر سرزمین ما، با عناوین درشت و متکبرانانه نوشت:

«ما آمدیم و طالبان نابود شدند!»

بلی! آنها می خواستند که نور الله (یعنی دین اسلام) را با دهان (بُف) شان خاموش گردانند! (الصف:8)

يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...

آیا چنین شد؟!

آیا پیروزی طالبان را، همین ادعا های پوچ (پنجابی بودن) «رسانه های وابسته» رقم می زند، و یا «خالق هستی»، آن «نعم الوکیل»؟!

{این ضعف عقیده را نشان می دهد که مسلمانان در تحولات نظام هستی، و در تغییر و تبدیل نظام ها و حالات افراد، بر «اسباب» توجه میدارند. در حالی که می باید عقیده مسلمانان به ذات الله سبحانه تعالی، به قدرت اش، به رحمانیت اش، به قهر اش «مضبوط» بماند نه به «اسباب»! }

ان شاء الله آن روز نیز دور نخواهد بود که تهمت گران، خود در عذاب اجیر شدن پنجابی ها تعذیب شوند. زیرا «سنت الهی» چنین است که «الله جل جلاله» گمراهان را با همان اسباب حیل و نیرنگ خودشان تعذیب می دارد؛ تا بر بصیرت «بی بصیرتان» افزوده شود، و بر ایمان مومنان، رفعت درجات حاصل گردد. }

✓ ای عزیزان! بیایم تا دیر نشده، از این خواب غفلت برخیزیم!

اگر ما بخواهیم ویا نخواهیم، اگر ما شاد شویم ویا غمگین، اگر ما لباس «کفر و یا اسلام» را تبدیل به «منافقت» نمایم، ویا هر حیل و نیرنگ دیگری را بکار بریم، و بلاخره اگر ما باشیم و یا نباشیم، بدانیم که:

{وعدده «الله جل جلاله» حق است (الروم:60)، و؛ }

«اسلام بالای کفر غالب شدنی ست، و ما در عدم اسلام، بازنده ابدی خواهیم بود!»

وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

الله، نورش (آئین اش) را کامل می نماید؛ هرچند برای کافران ناخوشایند باشد!

بلی! «حق» که از جانب پروردگار است، همیشه در صدر ماندگار خواهد ماند، و «بصیرت از حق» بستگی به نیروی ایمان افراد دارد.

پس درود و سلام پروردگار به آن مردی رشید و مجاهد (امیرالمومنین ملا محمد عمر) باد، که هژده سال قبل؛ زمانی که بارش بمب بر وی و یارانش ادامه داشت، بشارت پیروزی طالبان را بر اشغالگران داده بود، و یارانش را در این مسیر به صبر و استقامت دعوت می داشت.

چنین است «بصیرت از حق»، و این چنین است «پیروزی ابدی»:

عزت و آرامش در «دنیا»، و فلاح و رستگاری ابدی در «عقبی»!

بخش ششم:

ادامه بحث «شناسایی بحران کشور»:

✓ ای عزیزان! بدانید که پیروزی در گرفتن قصر ها و منصب ها نیست؛

مجاهدین همین حالا؛ در عدم «سلطه نظام»، در عدم «منصب و مقام» و در عدم «همکاری دیگران»، پیروز هستند...

(منتظر ادامه مطلب در بخش ششم بمانید)

نوت: بخش های قبلی را می توانید روی این لینک دریابید:

بخش اول:

http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P1.pdf

بخش دوم:

http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P2.pdf

بخش سوم:

http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P3.pdf

بخش چهارم:

http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P4.pdf